



دانش سنتی مرتبط با جنگل، بخش چهارم یکان مدیریت در جنگل‌های زاگرس

مهدی زند بصیری^{۱*} و مهدی پورهاشمی^۲

مقدمه

تقسیم‌بندی‌های متفاوتی وجود دارد. به‌عنوان مثال، در تقسیم‌بندی فرانسوی، جنگل به بخش، سری، پارسل و محوطه برش تقسیم شده، اما در تقسیم‌بندی آمریکایی، جنگل به حوضه، محیط عمل، گروه و جایگاه برش تقسیم می‌شود. در حالت کلی برخی مفاهیم در این فرایند کاربرد زیادی دارند (Devlin et al., 2001) که در ادامه بیان می‌شوند.

یکان مدیریت جنگل (Forest Management Unit/FMU)

فرایند سازماندهی مکانی با محوریت یکان‌های مدیریت جنگل انجام می‌شود. یکان مدیریت جنگل، محدوده تهیه طرح جنگل‌داری بوده و سطحی است که در آن مجموعه‌ای از هدف‌های روشن و هماهنگ برای اداره جنگل تعیین می‌شود. یکان مدیریت جنگل، سطح تنظیم برنامه‌های جنگل‌داری برای یک دوره زمانی مشخص (به‌طور معمول ۱۰ سال برای برنامه‌های تاکتیکی یا راهکاری جنگل) است. روند تنظیم برنامه‌ها در این دوره زمانی برای دو یکان مدیریت مشخص، متفاوت است. این تفاوت در تنظیم برنامه سبب می‌شود هدف‌ها و پیرو آن فعالیت‌های مختلفی برای دو یکان مدیریت مجزا مطرح شود. بنابراین، می‌توان یکان مدیریت جنگل را سطح تنظیم هدف‌های متوازن و هماهنگ نامید (زند بصیری و همکاران، ۱۳۹۰). به‌عبارت دیگر، منظور از یکان مدیریتی جنگل، سطح مشخصی از اراضی جنگلی است که به‌وسیله هدف‌های روشن (Explicit objectives) برای یک برنامه بلندمدت مدیریت در نظر گرفته می‌شود. در این سطح لازم است مجموعه‌ای هماهنگ از هدف‌ها برای جنگل تعریف شود تا یک وحدت رویه (Unity of direction) دیده شده و قابلیت اجرا و دستیابی به هدف‌ها افزایش یابد (Mendoza et al., 1999). در کشور ما یکان مدیریتی جنگل برای جنگل‌های هیرکانی براساس سازماندهی مکانی به‌روش فرانسوی، سری و در جنگل‌های خارج از شمال، سامان عرفی روستایی تعریف شده است.

فرایند سازماندهی (Organizing process)

فرایندی است که طی آن تقسیم کار بین افراد و گروه‌های کاری و هماهنگی بین آنها به‌منظور نیل به اهداف انجام می‌شود. تقسیم کار سبب به‌وجود آمدن سلسله‌مراتب (Hierarchy) در سازمان‌ها می‌شود. سلسله‌مراتب نیز نظم و ترتیب پست‌ها را در سازمان‌ها مشخص می‌کند. به طرح سلسله‌مراتب در سازمان‌ها، ساخت سازمانی (Organizational structure) می‌گویند (زند بصیری، ۱۳۹۳). سازماندهی دارای ابعاد گسترده‌ای مانند سازماندهی نیروی انسانی، سازماندهی سطح مورد عمل، سازماندهی تولید و سازماندهی فرایندهای کاری است. در زمینه سطح مورد عمل در جنگل، فرایند سازماندهی مکانی (Territorial organization) مفهوم پیدا می‌کند. طی فرایند سازماندهی مکانی، جنگل به قسمتهایی تقسیم می‌شود. سپس، وظایف و نقش‌های گوناگون به سطح جنگل تخصیص می‌یابد (فاتحی و همکاران، ۱۳۸۸؛ زند بصیری و همکاران، ۱۳۹۰). سازماندهی مکانی، مبنای نظم زمانی- مکانی و اجرای شیوه‌نامه‌ها و فعالیت‌های مختلف حفاظتی، پرورشی، احیایی، بهره‌برداری و درنهایت برنامه‌ریزی و مدیریت جنگل بوده و به‌عبارت دیگر، اساس تهیه طرح‌های مدیریت جنگل را شامل می‌شود (بی‌نام، ۱۳۸۶). تقسیم‌بندی سطوح برنامه‌ریزی براساس اصل از بزرگ به کوچک تنظیم می‌شود، به‌طوری‌که شروع فرایندهای برنامه‌ریزی از سطح ملی (National) است. سپس، سطح‌های منطقه‌ای (Regional) و درنهایت یکان‌های مدیریت راهبردی (Strategic Management) یکان‌های (Units/SMU) و راهکاری (Tactical Management) تعیین می‌شوند (زند بصیری، ۱۳۹۳). برای سازماندهی مکانی در کشورهای مختلف،

* نویسنده مسئول، استادیار گروه جنگل‌داری، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه صنعتی خاتم‌الانبیاء بهبهان، بهبهان، ایران
پست الکترونیک: mehdi.zandebasiri@yahoo.com
۲- دانشیار پژوهش، مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران

یکان برنامه‌ریزی جنگل (Forest Planning Unit/FPU)

همان‌طور که بیان شد مجموعه برنامه‌هایی که برای یکان مدیریتی ارائه می‌شود، برای یک دوره زمانی مشخص (در کشور ما ۱۰ سال) است. هر ساله یک دسته از مجموعه برنامه‌ها در قسمت‌های مشخصی از یکان مدیریت پیاده می‌شوند. به هر واحد از یکان مدیریت که برنامه‌های سالانه به‌ویژه امور جنگل‌شناسی مجزایی دارد، یکان برنامه‌ریزی جنگل گفته می‌شود. به عبارت دیگر، یکان برنامه‌ریزی جنگل قسمتی از یکان مدیریت است که نوعی همگنی بین توده‌های جنگلی آن وجود دارد تا تخصیص برنامه‌های سالانه برای آن سطح تسهیل شود (زند بصیری، ۱۳۹۳).

سازماندهی مکانی در جنگل‌های هیرکانی و جنگل‌های خارج از شمال

بر اساس شیوه‌نامه‌های مدیریت اجرایی، سطح سری معادل یکان مدیریت در جنگل‌های هیرکانی بوده (شکل ۱) و سطح پارسل‌ها معادل یکان برنامه‌ریزی در این جنگل‌ها در نظر گرفته شده است. در جنگل‌های خارج از شمال، سطح سامان‌های عرفی روستایی، معادل یکان مدیریت در نظر گرفته شده و سطح قطعات یا واحدهای کاری معادل یکان برنامه‌ریزی تعریف شده است (بی‌نام، ۱۳۸۱). در مورد یکان مدیریت سامان عرفی روستایی، پژوهش‌های پیشین نشان‌دهنده این موضوع است که درون این سامان، عرف‌های کوچک‌تری بین جوامع وجود دارد که در حقیقت این عرف‌های کوچک‌تر هستند که یکان‌های مدیریت مردم محلی را شکل می‌دهند (فاتحی و همکاران، ۱۳۸۸؛ زند بصیری و همکاران، ۱۳۹۰).

دانش سنتی مرتبط با جنگل‌های زاگرس و یکان‌های مدیریت

با توجه به وابستگی شدید جنگل‌نشینان زاگرس به جنگل، سطح یکان‌های مدیریت باید بر اساس رابطه جنگل‌نشینان هر منطقه با جنگل‌های تحت اختیارشان تعریف شود. از این رو، عرف بهره‌برداری و مرزهای اجرایی آنها در سطوح مورد استفاده نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. عرف بهره‌برداری در هر یک از مناطق جنگلی زاگرس در زمینه سطح مورد عمل جزئی از دانش‌های سنتی مردم محلی است، زیرا ویژگی‌های دانش سنتی مرتبط با جنگل (TFRK) را دارا است. به‌عنوان مثال، اتصال و وابستگی بین پدیده‌ها (زند بصیری و پورهایمی،

۱۳۹۷) در آن به‌طور کامل دیده می‌شود. همان‌طور که اشاره شد، در تعیین یکان‌های مدیریت، هنگامی که عرف‌های جوامع محلی بررسی می‌شوند، سامان‌های عرفی کوچک‌تری نمایان می‌شوند که درون عرف‌های بزرگ‌تر قرار گرفته‌اند. مدیریت جنگل‌ها در سطح عرف‌های کوچک انجام می‌شود، اما در سطح عرف‌های بزرگ‌تر روابط اجتماعی و فرهنگی بین مردم محلی دیده می‌شود. امروزه، دستگاه اجرایی متولی، سطح عرف‌های بزرگ (سامان‌های عرفی روستایی) را به‌عنوان یکان مدیریت جنگل تعریف کرده است، اما در عمل روابط عرفی و قواعد بهره‌برداری جوامع محلی سطح عرف‌های کوچک درون عرف‌های بزرگ را به‌عنوان یکان مدیریت تعریف می‌کند. از دیگر ویژگی‌های همخوانی TFRK و یکان‌های مدیریت جوامع محلی (عرف‌های کوچک) در نظر گرفتن گذشته و تاریخ مسائل (Parrotta & Trospner, 2012)

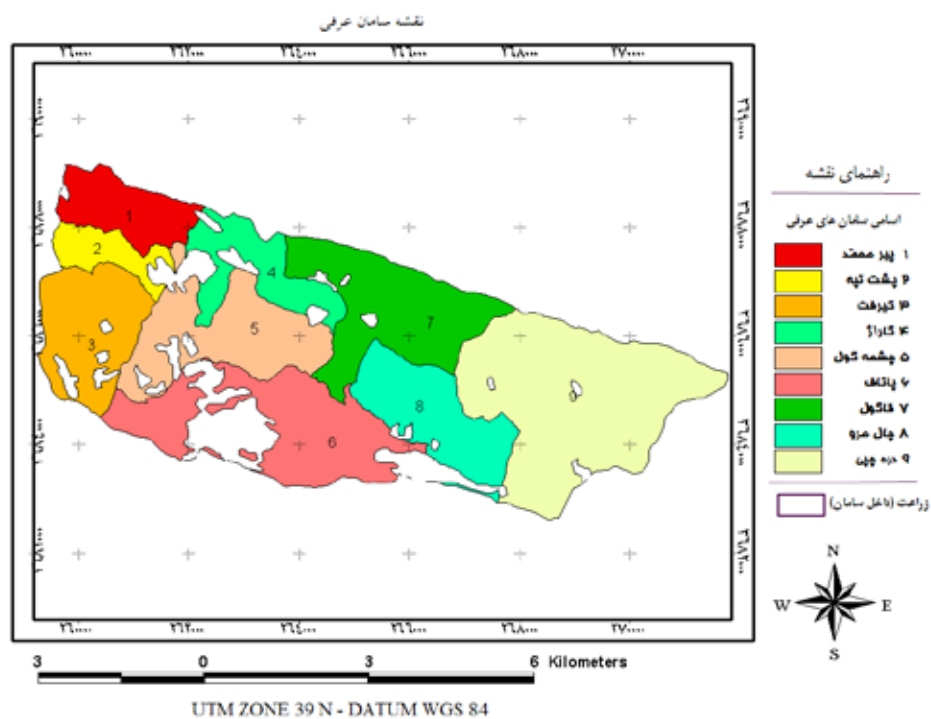
است. در تقسیم‌بندی بر اساس عرف‌های کوچک، بر اساس تجربیات تاریخی مجموعه‌ای از قلمروها بین جوامع محلی در برداشت چوب سوخت، چرای دام و حق استفاده از منابع جنگلی شکل گرفته است. این موضوع به‌صورت شفاهی به نسل‌های مختلف انتقال داده شده و بسته به ظرفیت جوامع مختلف در زمینه بهره‌برداری از هر یک از منابع، قواعد و مرزبندی‌های مختلفی را شکل داده است. تقسیم‌بندی عرف‌های بزرگ به عرف‌های کوچک در مناطق مختلف به شکل‌های مختلفی انجام می‌شود. به‌عنوان مثال، در زاگرس شمالی (استان کردستان) تقسیم‌بندی عرف‌های

با توجه به وابستگی شدید جنگل‌نشینان زاگرس به جنگل، سطح یکان‌های مدیریت باید بر اساس رابطه جنگل‌نشینان هر منطقه با جنگل‌های تحت اختیارشان تعریف شود. از این رو، عرف بهره‌برداری و مرزهای اجرایی آنها در سطوح مورد استفاده نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

کوچک در سطح سامان عرفی خانوار است و در زاگرس میانی (استان لرستان) این تقسیم‌بندی به‌صورت مجموعه‌ای از عرف‌های کوچک درون یک عرف بزرگ است. از این رو، این ویژگی با ویژگی فقدان عمومیت دانش TFRK که در بخش اول این دیدگاه بیان شد، همخوانی دارد. بررسی‌ها در استان لرستان نشان می‌دهد که مردم محلی در ارائه مرزهای عرف‌های کوچک همواره از مرزهای طبیعی مانند بال‌ها، دره‌ها و آبراه‌ها استفاده می‌کنند. این موضوع نشان از جایگاه مؤلفه‌های طبیعی و به‌کارگیری آنها در سیستم‌های مدیریتی و TFRK توسط جامعه محلی دارد. شکل ۲ موقعیت سامان عرفی تاف در استان لرستان



شکل ۱- نمونه‌هایی از کتابچه‌های طرح‌های جنگلداری در جنگل‌های هیرکانی



شکل ۲- موقعیت سامان عرفی تاف در استان لرستان

جدول ۱- معرفی یکان‌های مدیریت جوامع محلی در سطح یکان مدیریت اجرایی (زند بصیری، ۱۳۸۷)

نام عرف کوچک	پیرمحمد	پشت‌تپه	گاراژ	چشمه‌گول	کیرفت	پاتاف	قلاگل	چال‌مرو	دره‌چی
مساحت (هکتار)	۲۴۵	۱۵۱	۳۰۲	۵۲۱	۴۰۹	۸۰۸	۵۵۰	۴۳۱	۱۰۴۲

را نشان می‌دهد. در این سامان عرفی که توسط مدیریت اجرایی (اداره‌کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان لرستان) به‌عنوان یکان مدیریت انتخاب شده، ۹ عرف کوچک‌تر توسط جامعه محلی، یکان‌های مدیریت مردم محلی را تشکیل می‌دهند که مساحت آنها در جدول ۱ ارائه شده است. همان‌طور که در جدول ۱ مشخص است، سطح یکان‌های مدیریت (عرف‌های کوچک) در اکثر موارد از ۱۰۰۰ هکتار (حداقل سطحی که مدیریت اجرایی برای یکان‌های مدیریت تعیین کرده است) فاصله دارد. این موضوع باعث می‌شود در طرح‌های جنگل‌داری هزینه‌های تهیه طرح افزایش یابد. برای پرهیز از این تهدید لازم است رویکرد مدیریت مشارکتی به‌معنای استفاده از مردم محلی در سطح تصمیم‌گیری برای طرح‌های جنگل‌داری در پیش گرفته شود. بدین‌وسیله می‌توان از فرصت‌های به‌دست آمده برای جبران افزایش هزینه‌های تهیه طرح‌های جنگل‌داری استفاده کرد.

منابع

- بی‌نام، ۱۳۸۱. دستورالعمل تهیه طرح و اجرای جنگل‌داری چندمنظوره در جنگل‌های خارج از شمال. سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، ۳۷ صفحه.
- بی‌نام، ۱۳۸۶. طرح جنگل‌داری چندمنظوره با تأکید بر ساماندهی و مدیریت گل‌زنی در حوضه آرمرده. مرکز پژوهش و توسعه جنگل‌داری زاگرس شمالی، ۵۲۷ صفحه.
- زند بصیری، م.، ۱۳۸۷. ارزیابی یکان مدیریتی جنگل در سامان تاف- استان لرستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان، ۶۰ صفحه.
- زند بصیری، م.، ۱۳۹۳. تصمیم‌گیری‌های چندمعیاره و جایگاه آنها در مدیریت منابع طبیعی. انتشارات شاپورخواست، خرم‌آباد، ۲۵۲ صفحه.
- زند بصیری، م. و پوره‌اشمی، م.، ۱۳۹۷. دانش سنتی مرتبط با جنگل، بخش اول: تشریح پایه‌ها و ویژگی‌های سیستم‌های سنتی و علمی. طبیعت ایران، ۱۵-۲۳: ۱۰-۱۵.
- زند بصیری، م.، غضنفری، ه.، سیهوند، ا. و فاتحی، ب.، ۱۳۹۰. ارائه الگوی تصمیم‌گیری برای یکان مدیریت جنگل‌های زاگرس در شرایط عدم اطمینان. مجله جنگل ایران، ۱۲۰-۱۲۳: ۱۰۹-۱۱۰.
- فاتحی، پ.، نمیرانیان، م.، درویش‌صفت، ع.ا. و فاتحی، م.، ۱۳۸۸. بررسی الگوی مناسب سازماندهی مکانی جنگل در زاگرس شمالی. جنگل و فراورده‌های چوب، ۴۶۲(۴): ۴۲۸-۴۱۷.
- نیکواقبال، ع.ا.، ۱۳۹۱. برگزیده نظریه‌های سازمان و مدیریت. انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ۴۶۰ صفحه.
- Devlin, D.A., Myers, W.L., Sevon, W.D. and Hoskins, D.M., 2001. Use of land type association and landforms in managing Pennsylvania's State forests. Landtype Associations Conference: Development and use in natural resources management, planning and research. University of Wisconsin Madison, Wisconsin, 5 p.
- Mendoza, G.A., Macoun, P., Prabhu, R., Sukadri, D., Purnomo, H. and Hartanto, H., 1999. Guidelines for Applying Multi-criteria Analysis to the Assessment of Criteria and Indicators. Criteria and Indicators Toolbox Series No. 9, CIFOR, Bogor, Indonesia, 85 p.
- Parrotta, J.A. and Trosper, R.L., 2012. Traditional Forest Related Knowledge, Sustainable Communities, Ecosystems and Biocultural Diversity. Springer, Netherlands, 621 p.

جمع‌بندی

یکی از نکات اساسی در پذیرش یکان‌های مدیریت جوامع محلی این است که دانش سنتی آنها به‌گونه‌ای در این زمینه تنظیم شود که اصل وحدت فرماندهی (Unity of command) در برنامه‌های مختلف آنها لحاظ شود. اصل وحدت فرماندهی، گرفتن دستور تنها از یک مسئول و تنها از یک بالادست را بیان می‌کند (نیکواقبال، ۱۳۹۱). در صورتی که کل سطح سامان‌های عرفی بزرگ به‌عنوان یکان مدیریت تلقی شود، در این صورت امکان برقراری وحدت فرماندهی به حداقل می‌رسد. با پذیرش قواعد تقسیم‌بندی‌های کوچک‌تر جامعه محلی در تنظیم یکان‌های مدیریت، فرایند کنترل در طرح‌های جنگل‌داری بهبود می‌یابد، زیرا با کوچک شدن یکان مدیریت به‌دلیل کاهش حجم عملیات، سنجش عملکردها در برابر استانداردها، تشخیص انحراف‌ها و اقدام‌های اصلاحی بهتر انجام می‌شود. همچنین، واگذاری اختیارات و مسئولیت‌ها، روشن‌تر و بهتر خواهد بود، زیرا وقتی رویدادهای پیرامونی خارج از کنترل افراد ساکن در هر سامان عرفی است، بنابراین کاری از آنها برنخواهد آمد؛ اما با کوچک شدن یکان‌های مدیریت، عناصر یکان مدیریت بزرگ‌تر نقش عنصر خارجی را برای آنها دارد. این موضوع سبب روشن شدن اختیارات و مسئولیت‌ها در جامعه محلی می‌شود. پذیرش چنین تقسیم‌بندی‌هایی به‌عنوان دانش سنتی سبب می‌شود فرصت‌های بیشتری برای مشارکت جوامع محلی فراهم شود. البته نباید برخی ضعف‌های دانش سنتی را در این